

آینه

ایران

سر مقاله: «صداسوسیما، دولت یازدهم و بدعت‌های تازه»؛ محمد نوری

این روزها صداسوسیما مملو از حضور مقامات دولت سابق یا افرادی شده است که یکپارچه به حمایت از عملکرد دولت گذشته می‌پردازند.
تربویں در اختیار افراد عمدتا مخالف دولت جدید و حامی دولت سابق قرار می‌گیرد. از حضور محمود بهمنی رییس سابق بانک مرکزی تا شمس‌الدین حسینی وزیر سابق اقتصاد، تا پوشش سخنان مقامات دولت سابق در بخش‌های مختلف خبری – تحلیلی صداسوسیما، همگی نشان‌دهنده آن است که گویی از منظر اهالی جام‌جم هنوز دولت سابق استقرار دارد و تغییر و تحولی در اقلیم سیاست رخ نداده. حوزه پوشش فعالیت‌های دیپلماتیک دولت، از مواردی است که اغلب کارشناسان آن را مورد انتقاد صریح قرار دادند. در جلسه ۲۰ مهر ماه که اعتراضی هیات دولت به صداسوسیما به‌خاطر پوشش ضعیف و گاه تحریف‌آمیز سفر رییس‌جمهور و هیات همراه به نیویورک به اوج رسید، عزت‌الله ضرغامی رییس سازمان صداسوسیما با حضور در جلسه هیات دولت توضیحاتی ارائه داد و درمید داچویی برآمد. انتظار این بود پس از این جلسه رویه صداسوسیما اصلاح شده و اخبار حوزه دولت با رویکرد واقعی‌تری منتشر شود. لیکن نعتنهایپهپودی حاصل نشد که این روزها آهنگ برنامه یکسویه دعوت از کارشناسان مخالف دولت و مقامات دولت سابق بر مقامات فعلی دولت سبقت گرفته است. به هر حال چنین رویه‌ای نه در شان صداسوسیماست و نه از نظر حقوقی قابل دفاع.

اعتراض

یادداشت: «بیماری تقلیل گرایی»؛ محمد جنان صفت
مجادله بر سر موجودی خزانه دولت در شروع کار دولت یازدهم که با سخنان رییس‌جمهور آغاز ششد ادامه دارد. شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد دولت دهم با یادآوری اینکه در نیمه مردامه ۱۳۹۲ و در روزی که روحانی تحلیف می‌شد رقععی معادل ۱۶۰۰میلیاردتومان در خزانه وجود داشته است تلاش کرد سخنان اعضای دولت و رییس‌جمهور را مخدوش کند. در حالی که اگر رقم یادشده از سوی وزیر اقتصاد دولت دهم را مقرون به صحت بنامیم و یابمان باشد که چند روز پس از آن باید ۳۵۰۰میلیاردتومان به حساب پارتاکیران ریخته می‌شد خالی بودن خزانه مشهود خواهد بود. مهم‌ترین عذری که دولت می‌تواند بر آن بایستد چگونگی هزینه کردن حدود ۷۰۰میلیارددلار درآمد نفت صادراتی است. تقلیل گرایی دولت در این زمینه و کم‌اهمیت تلقی کردن حسابخواهی می‌تواند دولت یازدهم را متضرر و دولت دهم را طلبکار جلوه دهد.

تازان

گزارش: «روحانی در مسیر احمدی‌نژاد»

هر چه از عمر دولت «تدبیر و امید» می‌گذرد کم‌کم باورمان می‌شود که حسن روحانی در تصمیمات خلق‌السهاء دست‌کمی از محمود احمدی‌نژاد ندارد. در دیروز در اقلامی عجیب و دور از ذهن محمد شریعتمداری را در آخرین ساعات کار رسانمها به‌عنوان سرپرست وزارت ورزش و جوانان انتخاب و معرفی کرد. تصمیمی بحث‌برانگیز. که – تقریبا جامعه ورزش را شوکه کرد– حسن روحانی با انتخاب شریعتمداری به همه‌اثبات کرد که اهمیت برای ورزش قابل نیست. او دقیقا بر خلاف وعده‌های انتخاباتی‌اش که شعار بهره‌گیری از توان مدیریتی ورزشی‌ها را سرمی‌داد در سه باری که برای این وزارتخانه عرض و طویل سرپرست برگزید حتی نخواست پای صحت ورزشی‌ها بنشیند. رای منفی مجلس به صالحی‌امیری که شخصیتی تماما امنیتی داشت، راه را برای ورود مدیران ورزشی به این عرصه باز کرد. مدیرانی شبیه مهرعلیزاده، دادکان، قایقی و برادران خادم که رسانه‌ها به‌طور گسترده از آنها گفتند و نوشتند، روحانی اما براری اینکه اثبات کند اهل لیبازی است و تصمیمات خلق‌السهاء، این‌بار رو به شخصیتی بیگانه‌تر با ورزش آورد.

کیم‌سان

سر مقاله: «آرزوهای برباد رفته»؛ حسین شمس‌یسان
۱۳ آبان نزدیک است می‌تواند واکنش مردم به تاشاشان برای امام‌زادی و فراموشی مرگ بر آمریکا را در فریادهای مردم ببینند و آنها که دین مردم را هدف گرفته‌اند هم کمی تاخیر صبر کنند تا مشور حسینی را ببینند و ببینند مردم در مقابل هر حمله به آموزه‌های انقلابی و به ازای هر تبلیغ ضدآمریکایی که از دیوارهای شهر پابین کشیده شود پرچم حسینی را بر در و دیوار شهر و خانه‌های‌شان می‌آویزند و بار دیگر پرچم سیاه حسین را علم مبارزه می‌کنند و باز هم مثل همیشه و برای چندمین بار به جریان یاد شده نشان می‌دهند که چگونه «آرزوهای‌شان بر باد رفته است.

عربستان

یادداشت: «حیات و ممات فتنه»؛ عباس حاجی‌نجاری
ادعای یکی از فرزندان زهر رهنورد در مورد برخورد ماسوران وزارت اطلاعات با وی که در عرصه رسانه‌های معاند و مخالف داخلی و بین‌المللی بازتاب گسترده‌ای یافت– متأسفانه شماری از رسانه‌های ضدانقلاب بیگانه متأثر از فضا سازی خلاف واقع عناصر بدخواه و برخی فرزندان خاتم رهنورد، مطالب و مواضی کذب گارز گرفتن دستت دختر رهنورد(و ناصواب را دستمایه خبری خود قرار داده و اصل ماجرا را وارونه منعکس کردند. مستندسازی و زمینه‌سازی برای پرونده‌سازی بین‌المللی علیه ایران در کشور آمریکا با شورای حقوق بشر– از اهداف این فضا سازی است. انتقام از دولت یازدهم و روند فاصله‌گیری آنها از عوامل و سران فتنه، یکی دیگر از اهداف این فضا سازی است، چرا که حداقل پیامد نامه فاطمه کربوی و برخورد دختر زاهر رهنورد با حسن نیت و همکاری وزارت اطلاعات، می‌تواند برهیز از گشایش در وضعیت محصورین باشد.

جنش «وال استریت» نتیجه روشنگری‌های احمدی‌نژاد بود



عکس:امیر خیرجیدی/شرق

احمدی‌نژاد را به میان یکشدید. اگر ادعایی در خصوص شورابعالی امنیت ملی وجود دارد، بروید از آقای جلیلی که دبیر شورابعالی امنیت ملی بوده است پرسید.

❖ **ایشان دبیر شورا و عضو دولت بوده‌اند؟ رییس‌جمهور وقت هم رییس شورا بوده است.** اگر آقای جلیلی بداند، پس آقای احمدی‌نژاد هم حتما می‌داند.

اسا آقای احمدی‌نژاد این مساله را رد کرده است. باید سواتان را از دبیر شورا ببرسید. ضمنا آقای جلیلی عضو دولت نبوده است.

❖ **یعنی دبیر شورا تصمیمی گرفته که رییس شورا از آن خبر ندارد؟**

بهرحال اگر ادعایی در این خصوص وجود دارد، باید بروید از ایشان پرسید که آیا شورا در این زمینه تصمیمی گرفته است یا خیر. اینکه الان شما می‌گویید یک فرضیه است. فرضیه‌ای است که رییس‌جمهور وقت نیز از آن تبری جسته است. در خصوص ممنوع‌الخروج کردن افراد از جمله آقای خاتمی، ماده ۱۳۳ آیین دادرسی مسسؤولیت این کار ما متوجه دستگاه قضایی دانسته است که البته تصمیم به ممنوع‌الخروج کردن افراد هم طبق همین ماده قانونی در یک محدوده زمانی شش‌ماه اعتبار دارد.

❖ **از این بحث که بگذریم من می‌خواستم شما یک مقایسه‌ای هم بین روند مذاکرات هسته‌ای در دولت آقای احمدی‌نژاد و روحانی انجام دهید و دیگر اینکه آقای احمدی‌نژاد بارها اعلام کرده بود که آماده مذاکره با آمریکااست. نامه هم نوشت اما پاسخی نگرفت در حالی که ما می‌بینیم که الان ای اوپاماست که به روحانی تلفن می‌کند و ملاقاتی در آمریکا بین وزرای خارجه دو کشور صورت می‌گیرد. به اعتقاد شما این به‌معنای ناکامی سیاست تهاجمی آقای احمدی‌نژاد به‌ویژه در زمینه هسته‌ای نیست؟**

نامه روشنگرانه آقای احمدی‌نژاد هم هیچ نسبیتی با مذاکره نداشت و ایشان با هدف مذاکره ایسن نامه را برای اوپامافرستاده بود. مذاکره با آمریکا را نظام جمهوری اسلامی هیچ‌وقت رد نکرده اما شرطی برای انجام آن قابل بوده است. تاکید آقای احمدی‌نژاد همواره به انجام مذاکره بر مبنای احترام متقابل بوده است. جمهوری اسلامی فرصت‌های بهتری برای مذاکره داشت که از دست رفت.

❖ **چه زمانی؟**

فرصتهایی که ما در موضع قوی‌تری بودیم. مثل زمانی که آقای احمدی‌نژاد به نیویورک سفر می‌کرد و از ظرفیت رسانه‌های آمریکایی به خوبی استفاده می‌جست و از این رهگذار دولت آمریکا را در افکار عمومی این کشور البته از نظر شما تأیید است.

❖ **ولی این سکوت به‌نوعی باعث می‌شود که آنچه شما شبهه‌افزینی و جوسازی می‌نامید تأیید شود. یعنی در عمل به ضرر ایشان است.**

البته از نظر شما تأیید است.

❖ **به نظر شما بعد از شش‌ماه نقد دولت آقای روحانی از سوی ایشان و همراه‌های سابقشان آغاز می‌شود؟ البته به‌جز زمانی که الان هم صحبت می‌کنند.**

فرجه زمانی شش‌ماه‌ای که می‌گویید اصالت ندارد. من هم‌اموریتی برای صحبت‌کردن ندارم و اگر صحبتی می‌کنم یک تصمیم شخصی است. دولت آقای روحانی را هم همیشه می‌توان نقد کرد. اما فکر می‌کنم باید به دولت جدید فرصت داد و البته این برخلاف انتظاری بود که ما در دولت نهم داشتیم زیرا در آن زمان حتی قبل از تشکیل دولت نهم یک آتش سنگین تهیه شد به‌ویژه از سوی مدعیان اصلاح‌طلبی روی دولت ریخته شد که در طول هشت‌سال بعد هم ادامه پیدا کرد.

❖ **شاید همان‌طور که شما می‌گویید واقعا حق با آقای احمدی‌نژاد باشد، ولی با سکوت معلوم نمی‌شود که حق با ایشان بوده است.**

ما باید ضعف موجود در حوزه رسانه‌ای کشور را که مشکل آفرین شده است، بپذیریم. آقای لاریجانی اظهاراتی علیه آقای احمدی‌نژاد در خصوص ممنوع‌الخروج‌شدن آقای خاتمی کرده است. رسانه‌های می‌توانند این اظهارات را ریشه‌یابی کرده و از ایشان سوال کنند که استناد و دلایل چنین اتهامی از سوی ایشان چیست؟ زیرا ممنوع‌الخروج کردن افراد طبق عرف بعدد دستگاه قضایی است. به‌هرحال آقای احمدی‌نژاد گفت‌اند که آقای خاتمی رییس‌جمهور کشور بوده‌اند و جایگاه ریاست‌جمهوری ایجاب می‌کند که اصلا چنین اتفاقی درمورد ایشان نیفتد و اصولا ممنوع‌الخروج‌کردن افراد در حیطه اختیارات قانونی ایشان نبوده است. ضمنا تا باور ایشان نیز چنین رفتاری در خصوص آقای خاتمی قابل پذیرش نیست.

❖ **درباره «حصِر، چطور؟ دولت آقای احمدی‌نژاد هیچ‌گاه‌وارد قضیه نشده؟**

اینها هم برای رسانه قابل رصدکردن است.

❖ **اتفاقا مشکل آنجاست که اصلا قابل رصدکردن نیست.**

❖ **شما گفتید که اراده برای مذاکره باید در سطوح بالاتر حمایت به‌وجود آید. پس چرا اگر به گفته شما در دوره آقای احمدی‌نژاد ما فرصت بهتر یا موقعیت بهتری برای مذاکره داشتیم، این تصمیم گرفته نشد؟**

پیشتر توضیح دادم که این یک مساله دوطرفه است. طرف مقابل هم باید بپذیرد که از موضع احترام و برابر با ایران

سیاست

علی اکبر جوانفکر در گفت‌وگو با «شرق»:

نتیجه روشنگری‌های احمدی‌نژاد بود

کردند قانونی بوده است جوسازی که نمی‌توانسته آن را بالاتر کنند.

این حرف بی‌اساسی است که گفته شود دانشگاه ایرانیان برای تأمین آینده اعضای دولت دهم ایجاد شده است. کمک‌های مالی به این دانشگاه نیز در چارچوب اختیارات قانونی دولت انجام شده است. آیا بازگرداندن این کمک به خزانه دولت محل اشکال است؟ در این زمینه اتهامات غیرمنطقی و نادرستی مطرح شده است.

❖ **خب اگر اتهام بود چرا پول را برگرداندند؟ می‌توانستند از طریق مراجع قضایی ثابت کنند که همه اینها جوسازی است و کارشان قانونی بوده است.**

کسانی که اتهامی را مطرح می‌کنند باید آن را ثابت کنند و برای اثبات ادعای خودشان می‌توانند به مراجع ذی‌ربط مراجعه کنند. آقای احمدی‌نژاد بنا نداشت بر سر این موضوع با دولت آقای روحانی دعوا کند بنابراین دستور داد که این مبلغ به خزانه عودت داده شود و به این ترتیب بهانه از برخی عناصر صلب که با جوسازی می‌خواستند مقاصد سیاسی خود را دنبال کنند، گرفته شد.

❖ **ولی سازمان بازرسی هم وارد شد و غیرقانونی بودن این برداشت را تأیید کرد. یعنی همه باهم دارند جوسازی می‌کنند؟**

استاد شما برای این ادعا چیست؟ کجا این بررسی را انجام داده است؟ چرا انجام بررسی به چه کسی مراجعه کرده است؟ استناداتش چیست؟

❖ **الان دانشگاه با چه بودجه‌ای قرار است اداره شود؟**

در این زمینه نامه‌ای از طرف آقای بقایی به دولت فعلی نوشته شده و ضرورت اختصاص کمک‌های مالی به دانشگاه ایرانیان مورد تاکید قرار گرفته است.

❖ **مورد دیگری که می‌خواستیم از شما سوال کنم بحث دانشجویان ستاره‌دار و اخراج استادان دانشگاه بود. آقای احمدی‌نژاد به کل منکر این مساله می‌شد. در حالی که ما الان می‌بینیم از این دانشجویان و استادان اعاده حیثیت شده و طبق برخی آمار ۴۰۰۰دانشجوی محروم از تحصیل به دانشگاه‌بازگشته‌اند.**

در دولت آقای روحانی کسانی به کار گرفته شده‌اند که از متحصنان دولت آقای خاتمی با جریان فتنه حمایت کرده‌اند اما الان برگشته‌اند سر کار.

❖ **سوال من چیز دیگری است. می‌گویم آقای احمدی‌نژاد به کل منکر چیزی شده بودند که الان معلوم شده است واقعیت دارد**

موضوع رسمی دولت آقای احمدی‌نژاد همان است که قبلا هم اعلام شده بود. در دانشگاه کسی را به دلایل سیاسی ستاره‌دار نمی‌کنند. اگر دانشجویی در بیرون از محیط دانشگاه مرتبط بزه یا جرمی شده باشد که بر اثر آن بازداشت و زندانی شده و در نتیجه از تحصیل محروم مانده باشد این مساله نباید به حساب دانشجو بودن وی نوشته شود زیرا این جرم هیچ ارتباطی با دوران تحصیل او ندارد. بنابراین چنین فرضیه‌ای ممکن است وجود داشته باشد که برخی افراد به دلایل امنیتی بازداشت و از تحصیل محروم شده باشند که اکنون با پایان یافتن دوران محکومیت به دانشگاه‌بازگشته‌اند.

❖ **البته خیلی‌ها هم بازداشت نشده بودند.**

بسیار خوب، در حد یک فرضیه که اشکالی ندارد اما موضوع صبر کرد و دید امیدوارم وقتی کف دستماتن چیزی می‌گذارند رویمان بشود بگویم که در ازای از دست دادن چه چیزی بوده است!

❖ **اما برگردیم به همان بحث سکوت آقای احمدی‌نژاد درباره دانشگاه ایرانیان و برداشت ۱۶میلیارد تومان که کلی شبهه ایجاد شد که اصلا چرا این پول برداشته شده**

❖ **اگر هم قانونی بود چرا بازگردانده شد؟ از سویی ایشان آفرמה باید بروند دادگاه در ارتباط با آقای رحیمی هم سخنگوی قوه قضاییه تأیید کرده‌اند که پرونده ایشان در ارتباط با بیمه ایران تشکیل و بازجویی هم شده‌اند. همه اینها سوال‌هایی است که انتظار می‌رفت ایشان به آنها پاسخ دهند.**

بخشی از اینهایی که گفتید خیلی روشن است و باید از دستگاه قضایی

سوال کنید. آنها باید نسبت به اتهاماتی که مطرح کرده‌اند پاسخگو باشند. من سخنگوی آقای رحیمی هم نیستم. درباره آقای احمدی‌نژاد هم ایشان طبق قانون عمل می‌کنند. برای خود من هم پیوسته احضاربه می‌آمد و بنده هم طبق قانون عمل می‌کردم و رد دادگاه حضور می‌یافتم.

❖ **درباره ۱۶میلیارد تومان چطور؟ اگر قانونی برداشته شد بود چرا پس داده یا پس گرفته شد؟**

در این مورد آخر دولت دهم بود که تصمیم به تأسیس دانشگاه ایرانیان در شورابعالی انقلاب فرهنگی گرفته شد.

❖ **چرا اینقدر سریع؟ این شبهه تقویت شد که اعضای دولت برای آینده خود دنبال یک شغل و منبع درآمد و پانگاهی می‌گردند.**

عجله نکنید. بنده دارم به سوال شما جواب می‌دهم وقتی دارم به زمن تصمیم‌گیری درباره تأسیس دانشگاه اشاره می‌کنم در وقت دارم به سوال شما جواب می‌دهم. ضمنا توجه داشته باشید که دانشگاه یک کلون در آمدی نیست و کسی که قصد فعالیت درآمذر داشته باشد به سمت تأسیس دانشگاه نمی‌رود و من این ادعا را بی‌اساس می‌دانم. کمک مالی دولت به موسسات غیرانتفاعی هم یک وظیفه قانونی است که برای ده‌ها موسسه و نهاد غیرانتفاعی انجام می‌شود. کمک مالی به دانشگاه ایرانیان بر اساس قانون اختصاص یافت و این مبلغ هم به حساب دانشگاه واریز شده بود. وقتی دکتر احمدی‌نژاد با جوسازی غیرمصفانه از سوی برخی افراد در دولت فعلی مواجه شدند، دستور دادند تا کمک دریافتی از دولت به خزانه بازگردانده شود.

❖ **اما اینجا دولت داشت به آینده اعضای خودش با توسل به یک حربه قانونی کمک می‌کرد. اگر کاری که**

عکس:امیر خیرجیدی/شرق

مذاکره کند بدیهی است تا چنین شرایطی پذیرفته نشود یا نشانه‌هایی از آن بروز داده نشود، اتخاذ چنین تصمیمی در سطوح بالای نظام دور از ذهن خواهد بود.

❖ **من برگردم به سوالی که ابتدای همین بحث مطرح کردم. چطور است که بی‌پاسخ‌ماندن نامه رییس‌جمهور ما را شما ناشی از قدرت ما از زیابی می‌کنید اما تماس تلفنی‌ای که آنها برقرار می‌کنند را ناشی از ضعف ما می‌دانید؟ بالاخره اگر قرار به برقراری ارتباط باشد باید یکی شروع کنند و دیگری پاسخ بدهد. در غیر این صورت که ارتباطی برقرار نمی‌شود و قضیه بیشتر شکل یک ژست سیاسی یا تبلیغاتی می‌گیرد.**

بنده هیچ‌وقت نگفتم که بی‌پاسخ‌ماندن نامه رییس‌جمهور وقت به آقای اوپاما ناشی از قدرت ما بوده است. گفتم نامه آقای احمدی‌نژاد به اوپاما روشنگرانه بوده و هدف از آن مذاکره نبوده است. تماس تلفنی آقای اوپاما با آقای روحانی هم بدون بستر و زمینه‌های لازم برقرار نشده است. گراهی‌ای داده شد که او تماس گرفت. اوپاما اگر مطمئن نبود که در آن طرف خط هم کسی منتظر تماس اوست حتما به آقای روحانی تلفن نمی‌کرد. او می‌دانستد که اگر تماس بگیرد، آقای روحانی پاسخگو خواهد بود.

❖ **فکر می‌کنم آقای احمدی‌نژاد هم وقتی نامه می‌نوشته حتما گوشه چشمی به دریافت پاسخ نامه داشته است!**

آقای احمدی‌نژاد هم اگر نامه‌ای به آقای اوپاما نوشته است، در چارچوب سیاست‌های نظام بوده و هدف از آن هم، مذاکره بر مبنای دیدگاه طرف مقابل نبوده است. نامه آقای احمدی‌نژاد به اوپاما یک محتوای روشنگرانه و هدایت‌گرانه داشته است.

❖ **یعنی الان نیست؟ اگر قابل به این باشیم که سیاست‌ها در تصمیمات در این خصوص از سطوح بالاتر هماهنگ شده است.**

اگر اینطور بود که مورد نقد رهبری قرار نمی‌گرفتند.

❖ **البته ایشان در کلیات نقد نکردند برخی رفتارها را نقد کردند و قبل از سفر هم بحث نرمش قهرمانانه مطرح شده بود.**

یعنی به نظر شما ما در عمل نرمشان قهرمانانه بود؟ باید صبر کرد و دید امیدوارم وقتی کف دستماتن چیزی می‌گذارند رویمان بشود بگویم که در ازای از دست دادن چه چیزی بوده است!

❖ **اما برگردیم به همان بحث سکوت آقای احمدی‌نژاد درباره دانشگاه ایرانیان و برداشت ۱۶میلیارد تومان که کلی شبهه ایجاد شد که اصلا چرا این پول برداشته شده**

❖ **اگر هم قانونی بود چرا بازگردانده شد؟ از سویی ایشان آفرמה باید بروند دادگاه در ارتباط با آقای رحیمی هم سخنگوی قوه قضاییه تأیید کرده‌اند که پرونده ایشان در ارتباط با بیمه ایران تشکیل و بازجویی هم شده‌اند. همه اینها سوال‌هایی است که انتظار می‌رفت ایشان به آنها پاسخ دهند.**

❖ **اتفاقاتی که بعدا در آمریکا رخ داد و اعتراضات مردمی در «وال استریت» را بر انگیزخت نتیجه روشنگری‌های آقای احمدی‌نژاد بود. به‌طوری که این مساله به بعضی اساسی برای دولت آمریکا تبدیل شده بود**

تصمیم به گفت‌وگو باید در سطح بالاتری اتخاذ می‌شد. اما صرفا موضع بر تر ملاک نیست، بلکه طرف مقابل ما باید به این توجه برسد که از موضع برابر و احترام متقابل مذاکره انجام شود نه اینکه آقای روحانی برود مذاکره کند و بعد اوپاما بگوید که ایران بر اثر استیصال ناشی از تحریم‌ها به مذاکره روی آورده است که البته بهانه آن را هم خود دولتمردان فعلی به دست آمریکا داده‌اند. وقتی برخلاف واقع مدعی خالی‌بودن خزانه دولت می‌شوند، دقیقا در جهت اثبات سخنان آقای اوپاما یعنی مذاکره بر اثر استیصال موضع گرفته‌اند. بیان چنین سخنان نسنجیده و خلاف واقع‌ای، طرف مقابل را کلسا جری می‌کند و من از کسی مانند آقای روحانی که یک دیپلمات به‌سابقه است، تکرار چنین اشتباه فاحشی را تعجب‌برانگیز می‌دانم.

❖ **یعنی می‌گویید خزانه بر است؟**

بله ۱۳ مرداد ۹۱ وقتی از خزانه گزارش‌گیری می‌شود صداهمیلیاردتومان در خزانه پول بوده است. ۱۳ مرداد ۹۲ هم باز گزارش‌گیری شده بیش از دوبرابر سال ۹۱ موجودی داشته است. درآمدهای نفتی کشور هم طی سال جاری نسبت به سال قبل بسیار خوب بوده است و ذخایر ارزی نیز بسیار قابل توجه است. بنابراین گزارش‌های خلاف‌واقع هیچ دستاوردی جز اثبات ادعای آمریکا به‌دنبال ندارد.

❖ **شما گفتید که اراده برای مذاکره باید در سطوح بالاتر حمایت به‌وجود آید. پس چرا اگر به گفته شما در دوره آقای احمدی‌نژاد ما فرصت بهتر یا موقعیت بهتری برای مذاکره داشتیم، این تصمیم گرفته نشد؟**

پیشتر توضیح دادم که این یک مساله دوطرفه است. طرف مقابل هم باید بپذیرد که از موضع احترام و برابر با ایران

ادامه از صفحه اول

نگاهی به طرح افزایش اختیارات رییس قوه‌قضاییه

از طرفی بعضا دولت لوابجی تهیه می‌کرد که بار قضایی داشت و باعث اختلاف بین قوم‌چمریه و قضاییه می‌شد این موضوع در دولت اصلاحات بیشتر نمود پیدا کرد و دولت اصلاحات لوابجی در دست تهیه داشت که قوهقضاییه مدعی بود این لوابج قضایی هستند و تهیه آن جزو وظایف قوهقضاییه است به همین اعتبار در سال ۷۹ آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی رییس وقت قوهقضاییه از شورای نگهبان در خواست تفسیر بند ۲ اصل ۱۵۸ قانونی اساسی را کرد. متن پرسش قوهقضاییه و پاسخ شورای نگهبان عینا آورده می‌شود:

۱- تعریف لایحه قضایی و فرق آن با لایحه قانونی چیست؟

۲- آیا هیات دولت می‌تواند در لایحه قضایی که توسط قوهقضاییه آماده شده است تغییر محتوایی (یعنی حذف یا اضافه‌کردن مواردی را تغییر مفاد ماده) انجام دهد و سپس آن را به مجلس شورای اسلاهی ارسال کند یا خیر؟ شورای نگهبان نظر تفسیری خود را به شرح زیر اعلام نمود.

۱- فرق لوابج قضایی و غیرقضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوابج قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به‌ویژه اصول ۱۵۶، ۱۵۷، و ۱۵۸ و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی‌معین می‌کند.

۲- هیات دولت نمی‌تواند مستقلا لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.

۳- لوابج قضایی که توسط رییس قوهقضاییه تهیه و به دولت ارسال می‌شود به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد هر گونه تغییر مربوط به امور قضایی در اینگونه لوابج فقط با جلب موافقت رییس قوهقضاییه مجاز می‌باشد.

هرچند این استثنائیه به بحث دخالت قوم‌چمریه در کار تهیه لوابج قضایی خاتمه داد اما دو موضوع کماکان باقی ماند، یکی مهلت و فرصتی که قوم‌چمریه در ارسال لایحه قضایی به مجلس دارد و دیگری بار مالی احتمالی لوابج قضایی، رییس‌جمهور سابق به این مهلت‌اعتنایی نداشت. برای نمونه، لایحه بودجه سنواتی باید تا ۱۵ آذر به مجلس تقدیم شود اما در طول هشت‌ساله اخیر به مجلس سسنوایی هیچ‌گاه این مهلت رعایت نشد و آخرین لایحه بودجه چند روز مانده به پایان سال به مجلس تقدیم شد که در تاریخ قانونگذاری بی‌سابقه بود. دو سال آخر هم که به لحاظ تأخیر در تقدیم لایحه بودجه به مجلس، عملا امکان تصویب لایحه بودجه در پایان سال میسر نشد و بودجه (یک‌دوازدهم یا دودوازدهم) تصویب شد. وقتی با لایحه بودجه اینگونه برخورد می‌شد، طبیعی است که با لوابج قضایی رییس قوهقضاییه چه برخوردی می‌شد. هم‌اکنون ظاهرا لوابج قضایی زیادی در دولت باقی مانده که به مجلس ارسال نشده است و این مصوبه می‌تواند کارساز باشد یعنی اگر در مهلت سهماءه لایحه توسط دولت به مجلس تقدیم نشد، درپرس قوهقضاییه رأس باید بتواند لایحه را به مجلس تقدیم کند، هرچند با تانس مجلس با لوابج قضایی مساله دارد و

مقررات بر اساس موازین اسلامی باشد و قوانین نیز باید به‌صورت طرح یا لایحه به تصویب نمایندگان مجلس برسند، اما نمایندگان راه ساده قوانین آزمایشی را در پیش گرفته‌اند. هم‌اکنون قوانین ماهر مثلا قانون مجازات اسلامی با قانون آیین دادرسی مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری به‌صورت آزمایشی و تنها با تصویب کمیسیون قضایی مجلس لازم‌الاجراست که این بزرگ‌ترین ضعف دستگاه قضایی است و جای تعجب است که نمایندگان مجلس درخصوص قوانینی که به جان و مال و ناموس مردم و شیوید دادرسی آن بسگی دارد مسوولانه برخورد نمی‌کنند. کاش مجلس مصوبه‌ای داشته باشد که استناد آن به اصل ۸۵ قانون اساسی و تصویب قوانین به‌صورت آزمایشی تنها به مدت معینی امکان پذیر باشد. هم‌اکنون جامعه حقوقی خصوصا استانان این رشته نمی‌توانند و انگیزه‌ای ندارند تا راجع به اصلی‌ترین قوانین یعنی مجازات اسلامی، آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری تحقیق و کتاب بنویسند زیرا قوانین موجود آزمایشی است و این بزرگ‌ترین ایراد و اشکال وضع موجود است. باز جای شکرش باقی است که دست قوم‌چمریه در تأخیر ارسال لوابج قضایی در صورت تأیید شورای نگهبان بسته می‌شود اما آزمایشی‌بودن قوانین بزرگ‌ترین اشکال و ایراد مجلس است که به قوت خود باقی است.

چرا توقیف؟

بالاخره باید بین آقای علی جنتی، وزیر دولت اعتدال با آقای حسینی وزیر دولت احمدی‌نژاد تفاوت‌هایی باشد که مردم احساس کنند رای به آقای روحانی آثار مثبت داشته است و به‌وق اگر قوهقضاییه تصمیم به تعطیلی، این روزنامه، به جرم اشتباهات مدیرمسئول آن را بگیرد، این وزیر ارشاد و معاون مطبوعاتی وی هستند که برای دفاع از مجموعه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و عوامل اجرایی شافلر در آن روزنامه، باید با بیش بگزارند و تعطیلی آن جلوگیری می‌کردند، نه اینکه خود آن را تعطیل کنند و در رسانه‌ها نیز از این اقدامی که هرگز تا شعارهای دولت تدبیر و امید سازگاری ندارد، دفاع کنند. مگر اعتدال در این نیست که بین صاحبان روزنامه‌ها و جراید، چندان تفاوت قابل‌تفشد، اگر یکی از مطبوعات جناح‌مقابل چنین اشتباه ناخواسته‌ای که در روزنامه رخ داده، انجام می‌دادند و حتی مثل مدیران بهار علخرخواهی هم نمی‌کردند، آن را توقیف می‌کرد؟ منتظر می‌مانیم تاببینیم.